

بیانیه کمیته میزکتاب آمستردام

به مناسبت دو روز بزرگ و تاریخی ۱۹ و ۲۲ بهمن!

در تاریخ مبارزات آزادی خواهانه هر کشور و هر خلقی روزهای فراموش نشدنی و با شکوه وجود دارند، این روزها در بستر نبردهای طولانی و پُر فراز و نشیب به وجود آمده‌اند و هر کدام بر شانه‌ی دیگری ایستاده و شکوه قامت خود را در جهان به ثبت می‌رسانند؛ ۱۹ بهمن ماه سال ۴۹، که شراره‌های آفتاب از سیاهکل سر زد و ۲۲ بهمن ماه سال ۵۷، که هوا دل پذیر شد و گل از خاک بردمید از جمله‌ی این روزگاراند.

تاریخ مبارزات ستم ستیزی و ضد استبدادی و رهائی بخش در جامعه‌ی ما شاهد پیروزی‌ها، حماسه‌ها و دلاوری‌های فراوان است و متأسفانه به موازات آن شاهد شکست‌ها، ناکامی‌ها و خیانت‌ها نیز می‌باشد.

این پیروزی‌ها و شکست‌ها بیانگر آن است که هر جا دشمنان مردم و آزادی خواهان از قدرت به زیر کشیده شدند و یا به عقب رانده شدند، پس از آن بیکار ننشسته‌اند و به طرق مختلف سعی کرده‌اند مجدداً مقام و قدرت خود را باز یابند، آنان یا در لباس دوستان مردم و انقلاب ظاهر شده‌اند و تیشه به ریشه‌ی انقلاب زده‌اند، یا به طور مستقیم با بسیج ضد انقلاب به انقلاب و دست آوردهای آن حمله کرده‌اند و آن را به شکست کشانیده‌اند و گاه حتا باعث شده‌اند که خیزش‌ها و قیام‌های مردمی با تمام فدا کاری و از جان گذشتگی که انجام می‌گیرد به پیروزی نرسند.

نگاهی هر چند گذرا به انقلاب مشروطیت، به کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ به خیزش انقلابی مردم در بهمن ۵۷ به مبارزات دانشجویی در سال ۶۸ و هم چنین به خیزش مردم به جان آمده در خرداد ۸۸ همه و همه بیانگر واقعیت فوق است.

آری، در تمام کنش و واکنش‌های طبقاتی و بخصوص در دوره‌های اخیر رژیم‌های سرمایه‌داری دست به هر ردالتی زده‌اند؛ تا هر چه بیشتر نیروهای مولده را استثمار کنند، یعنی شریف‌ترین و زحمتکش‌ترین نیرو (طبقه‌ی کارگر)، که همه‌ی هستی و آسایش و رفاه و سعادت انسان از تلاش و کار و کوشش آنان است، دشمنان طبقاتی دست به هر جنایت و ترفند و فریبی می‌زنند تا دامنه‌ی مبارزات کارگران را محدود کنند و آن را از مسیر اصلی خود منحرف سازند. گاه در هم دستی آشکار با امپریالیسم و با کودتا دست به سرکوب و کشتار و زندان و شکنجه‌ی آنان می‌زنند و گاه با لطایف الحیل در قالب شعارهای دروغین و ظاهرین ضد امپریالیستی همان اهداف را دنبال می‌کنند. گاه در پوشش دین پناهی و اسلام نمائی و تقدس سرمایه و گاه با فریب "جامعه‌ی مدنی" گاه "اصلاح طلبی" قصد تحمیق تودها را دارند.

قبل از کودتای ننگین امپریالیستی سال ۳۲ کارگران ایران برای تحقق خواسته‌های صنفی سیاسی خود متشکل شده بودند و مبارزه می‌کردند در آن زمان حزب توده وسیع‌ترین تشکیلات کارگری را داشت و کارگران با جان و دل برای تحقق حقوق حقه‌ی خود و ملی شدن صنعت نفت مبارزه می‌کردند، پس از کودتا به علت بی عملی و پاسیفیسم حزب توده طبقه‌ی کارگر بیشترین صدمه را دید و شدیداً سرکوب

شد؛ دشمنانِ آزادی با ایجادِ جو رعب و وحشت و تیربارانِ آزادی خواهان و برخی افسرانِ شجاع سازمانِ نظامی حزب توده که سر از فرمانِ حزب پیچدند و ندامت نامه نوشتند تا آزاد شوند، سکوت قبرستانی را بر جامعه حاکم کردند.

پس از آن هر گونه صحبت از مبارزه جهت در هم شکستن آن جو و سرنگونی رژیم شاهنشاهی یک رویای دست نیافتنی و اتوپی قلمداد می‌شد؛ جو بی اعتمادی قالب بود و رژیم هم به ظاهر در آرامش و ثبات حکومت می‌کرد. شاعران از سردی زمستان و از برگ ریزان و خزان و خفت و تسلیم نوشتند:

"وگر دستِ محبتِ سوی کس یازی

به اکراه آورد دست از بغل بیرون

که سرما سخت سوزان است

نفس، کز گرمگاه سینه می‌آید برون، ابری شود تاریک

چو دیوار ایستد در پیش چشمانات

نفس کاین است، پس دیگر چه داری چشم

ز چشم دوستانِ دور یا نزدیک؟"

آری، در یک چنین فضای سنگین و سیاه، که یاس و ناامیدی بر روحیه‌ی کارگران، روشنفکران و سایر اقشار مردم سایه افکنده بود؛ و حزب توده‌ی خائن سازش طبقاتی را پیشه کرده بود و مبلغ گذار مسالمت آمیز به سوسیالیزم بود. قهر انقلابی آفتاب کاران، زنگ بزرگ خون را به صدا در آورد و توفان شکوفه داد، اکنون دیگر همه چیز دست یافتنی به نظر می‌رسید و این بار هنرمندان سرودند:

سر اومد زمستون، شکفته بهارون

گل سرخ خورشید باز اومد و شب شد گریزون

کوه‌ها لاله زارند، لاله‌ها بیدارند

تو کوه‌ها دارند گل، گل، گل، آفتابو می‌کارن

آری، دیری از خروشِ بیرهای دیلمان، که همه به خون خفتند نگذشته بود، که: اگر دستِ محبتِ سوی کس یازی، به صد شوق آورد دست از بغل بیرون و دست‌ات را به گرمی می‌فشارد، اگر اسلحه‌ای از دست چریک فدائی به زمین می‌افتاد ده‌ها دست برای برداشتن‌اش از بغل بیرون می‌آمد. پیوستن و حضور دختران چریک در مبارزه‌ی قهر آمیز و دلاوری‌های آنان وحشت رژیم را صد چندان کرد.

قدر قدرتی حکومت رنگ باخت. شکسته شد. جای ترس در جامعه را بی باکی و جان بازی گرفت. علی‌رغم دیکتاتوری افسار گسیخته و پُر شدن زندان‌ها و شکنجه‌های غیر قابل تصور و تیرباران چریک‌ها و سایر مبارزین، مبارزه اما هر روز وسعت بیشتری می‌یافت، حماسه‌ی مقاومتِ زندانیان سیاسی سینه به سینه منتقل می‌شد و انرژی‌های مثبتِ مبارزاتی آزاد می‌کرد، حالا بزرگترین آروزی

بسیاری از جوانانِ دختر و پسرِ مبارز و آزادی خواه پیوستن به چریک‌ها و مبارزین و در دست گرفتن سلاح برای جنگیدن با رژیم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم شاهنشاهی و سرنگونی آن بود.

سال ۵۶ مبارزه کم‌کم توده‌ای شد؛ شهرها یکی پس از دیگر دست به اعتراض و تظاهرات زدند، حتا کشتار هر روزه‌ی جوانان در خیابان باعث نشد مردم به خانه بر گردند، بلکه آتش مبارزه را شعله و رتر کرد ۵۷ از راه می‌رسید ایران سراسر شور و شوق بود و تلاش برای آزادی. شعارها و سرودهای انقلاب مشروطه، انقلابی که به ثمر نرسیده بود، دیگر بار سر داده شدند:

"از خون جوانانِ وطن لاله دمیده

از ماتم سرو قدشان، سرو خمیده"

"یا مرگ یا آزادی!"

"آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی

دستِ خود ز جان شستم از برای آزادی

تا مگر به دست آرم دامنِ وصالش را

می‌دوم به پای سر در قفای آزادی"

هم چنین شعارهای جدید در تائید و حمایت از حرکت انقلابی ستاره‌گان سیاهکل در فضا طنین انداز بود: "ایران را سراسر سیاهکل می‌کنیم!" و "فدائی تو افتخار مائی!"

ولی دشمن قهار باز بی کار ننشسته و دسیسه چینی کرد و به لباسِ دوست در آمد؛ خود را با مردم هم راه کرد تا باز به موقع تیشه به ریشه زند، با هزار افسوس و هزار درد خیلِ دشمنانِ مردم به نام رهبرانِ مردم به آنان تحمیل شدند، خیانت پیشه‌گان دیروز حزبِ توده‌ی خائن و همپالگی و هم‌دستانِ امروزی‌شان غاصبان سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، یعنی "فدائیان اکثریت" با اکثریتِ توانائی خود در رکابِ رژیمِ ستم‌کاره در آمدند و مرکبِ ستم را تا توانستند بر سر و سینه‌ی جوانانِ آزادی خواه و مبارز و کمونیست تاختند: "و گورستانی چنان بی مرز شیار کردند، که باز ماندگان را هنوز از چشم خون آبه روان است".

اکنون بیش از سه دهه از عمر ننگین رژیم جمهوری اسلامی می‌گذرد، ضد انقلاب صد چهره و لباس عوض کرده است، دولت پس از دولت و دسته‌ها و جناح‌های مختلف آمده‌اند و رفته‌اند اما همه یک ماهیت داشته‌اند، همه یک منظور و یک هدف و یک منافع طبقاتی داشته‌اند، همه طرفدارِ مناسباتِ سرمایه‌داری و در خدمتِ منافع امپریالیزم بودند، آن که دیروز اصولگرا بوده است امروز اصلاح طلب شده است، آن که دیروز اصلاح طلب بود امروز ستمگر و دیکتاتور است.

رژیم جمهوری اسلامی صدمه‌های جبران ناپذیری به کارگران و زحمتکشان و مردم ایران زده است، حداقل حقوق انسانی از زنان سلب شده است؛ جوانان بسیاری را کشته است، زندان‌هایش پُر است، اختناق و سرکوب حد و اندازه‌ای ندارد، فقر و بیکاری بی‌داد می‌کند، اعتیاد خانواده‌های بسیاری را به

خاک سیاه نشانده است، عده‌ای از انسان‌های با شرف برای گذران زندگی مجبور به تن فروشی شده‌اند، چند میلیون نفر خانه و کاشانه‌ی خود را ترک و از ایران فرار کرده‌اند.

رژیم جمهوری اسلامی در جنگی ۸ ساله با عراق خسارات جانی و مالی بزرگی بر زندگی مردم آوار کرد، جنگی که تحت پوشش آن تمام نیروهای مخالف را قتل عام کرد و تعدادی هم که باقی مانده و در زندان اسیر بودند با خاتمه‌ی جنگ در سال ۶۷ در یک قتل عام دسته جمعی همه را از دم تیغ گذراند.

در شرایط فعلی رژیم جمهوری اسلامی مردم ایران را باز در پرتگاه یک خانه خرابی جبران ناپذیر دیگر قرار داده است، با سیاست‌های ارتجاعی و ضد مردمی خود احتمال حمله‌ی نظامی امپریالیست‌ها را فراهم می‌آورد، حمله‌ای، که اگر صورت بگیرد طبعات زیانبار آن غیر قابل محاسبه و تصور است.

از طرف دیگر همین روزها در تدارک نهمین دوره‌ی انتخابات مجلس فرمایشی است، مجلسی که پیشاپیش نمایندگان آن و وظایف آنان از قبل تعیین شده است، این انتخابات بی تردید هم چون سایر انتخابات رژیم با تقلب و انتصاب انجام خواهد گرفت.

پس ما نه تنها در انتخابات شرکت نمی‌کنیم بلکه سعی می‌کنیم آن را به یک کارزار مبارزاتی علیه جمهوری اسلامی در راستای سرنگونی انقلابی آن تبدیل کنیم.

پس ما با هر گونه تجاوز نظامی و تحریم‌های اقتصادی که دود آن مستقیم به چشم مردم رنج دیده و تهی دست می‌رود مخالف بوده و هستیم، مخالف هر گونه سلطه‌گری و دخالت امپریالیست‌ها در هر نقطه‌ی جهان و ایران هستیم. علیه جنگ هرگز در کنار جمهوری اسلامی قرار نخواهیم گرفت، هیچ گونه هم کاری در داخل و خارج کشور با عوامل آن نمی‌کنیم، هم چنان که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در کنار هیچ قدرت امپریالیستی قرار نمی‌گیریم، از بودجه‌های امپریالیستی و امکانات مالی آنان استفاده نمی‌کنیم، بلکه سیاست مستقل و آزادی خواهانه‌ی خود، یعنی باور و اتکاء به کارگران و زحمتکشان را پیش می‌بریم و معتقدیم رژیم جمهوری اسلامی باید به دست و به اراده‌ی کارگران و زحمتکشان و توده‌ی تهی دست ایران سرنگون شود.

جاودان باد یاد و خاطره‌ی حماسه آفرینان سیاهکل!

درود بی کران بر به خون خفته‌گان خیزش انقلابی ۲۲ بهمن ماه سال ۵۷!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

نابود باد امپریالیزم و جنگ‌های امپریالیستی!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیزم!

کمیته‌ی میزکتاب آمستردام

فوریه ۲۰۱۲، بهمن ۱۳۹۰